



پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۱۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

دوره انتشار: شش ماهنامه * شاپا چاپی: 3472-2322 * شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2023.77930.1306>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

مقاله پژوهشی



واکاوی مفهوم صلح بین جوامع سیاسی در مکتب سیاسی هرات

محمد داود عرفان، سید حسین اطهری، روح اله اسلامی شعبجره، مهدی نجف زاده^۴

چکیده

مکتب سیاسی هرات که به پیروی از اندیشه‌های اسلامی-عرفانی مولانا عبدالرحمان جامی و شبکه‌ای از دانشمندان دوران تیموری شکل گرفته است، بر عدل، صلح، زبان فارسی، مدارا و تساهل، آموزه‌های ایران باستان، و آموزه‌های ترکی-مغولی تأکید دارد. امیرعلی شیرنوبی، وزیر دربار تیموریان و مولانا حسین واعظ کاشفی، دو تن از شاگردان جامی، در بارور شدن مکتب سیاسی هرات، نقش ارزنده‌ای داشته‌اند. آموزه‌های جامی از طریق این دو، وارد جوامع سیاسی آن دوره شده و از طریق دربار، در عمل در زمینه اجتماعی و فرهنگی، جریان یافته است. صلح، یکی از کلیدی‌ترین مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری چون مصلحت، مصالحه، مدارا، و تساهل هم‌پوشانی داشته و در نظریه و عمل مکتب سیاسی هرات تبلور یافته است؛ به گونه‌ای که عصر تیموریان، یکی از دوره‌های صلح‌آمیز تاریخ منطقه به‌شمار می‌آید. مقاله حاضر با به کارگیری چارچوب مفهومی مکتب سازه‌انگاری و روش‌شناسی هرمنوتیک کونتیناسکینر در پی پاسخ‌گویی به پرسش جایگاه صلح بین جوامع در اندیشه سیاسی مکتب هرات است. به نظر می‌رسد که حضور مولانا جامی، رهبر فرقه نقشبندی، که به صلح و مدارا مشهور است، به‌عنوان مشاور بزرگ فرهنگی دربار، یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری فضای صلح‌آمیز دوره تیموریان است. جامی با ایجاد شبکه‌ای از اندیشمندان عرفانی مشرب، درون و بیرون از حاکمیت تیموری، صلح را به‌عنوان وضعیت اصلی آن دوره مطرح کرده بود.

کلیدواژه‌ها: مکتب هرات، دوره تیموری، عرفان نقشبندی، صلح

۱. دکترای اندیشه سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، Dawoud.erfan@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) athari@um.ac.ir

ORCID: 0000-0001-7332-4848

۳. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران Eslami.r@um.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران m.najfzadeh@um.ac.ir



۴۱۳

واکاوی مفهوم صلح بین
جوامع سیاسی در مکتب
سیاسی هرات

Survey the Concept of Peace among Political Communities in the Herat Political School

Mohammad Dawood Erfan¹, Seyyed hossein athari², Rouhollah eslami³, Mehdi najafzadeh⁴

The political school of Herat, which was formed by the Islamic-mystical thoughts of Maulana Abdul Rahman Jami and a network of Timurid era scientists, is based on justice, peace, Persian language, tolerance and tolerance, the teachings of ancient Iran and Turkish teachings. - Mongolian emphasizes. Amir Ali Shirnavai, minister of the Timurian court, and Maulana Hossein Waez Kashifi, two of Jami's students, have played a valuable role in the development of Herat's political school. Through these two, Jami's teachings have entered the political societies of that period and have practically flowed through the court in the social and cultural context. Peace is one of the most key concepts that has overlapped with other concepts such as expediency, reconciliation, tolerance and tolerance and has crystallized in the theory and practice of the political school of Herat, so that the Timurid era is one of the most peaceful periods in the history of the region. goes This article, with the conceptual framework of Quentin Skinner's constructivist school and hermeneutic methodology, aims to answer the question of the place of peace between communities in the political thought of the Herat school. It seems that the presence of Maulana Jami, the leader of the Naqshbandi sect, who is known for his peace and tolerance; As a great cultural consultant of the court, he is one of the main reasons for the peaceful atmosphere of the Timurid period. By creating a network of mystic thinkers inside and outside the Timurid rule, Jami had proposed peace as the main state of that period.

Keywords: Herat school, Timurid period, mysticism, Naqshbandiyya and peace.



۴۱۴

پژوهش نامه ایرانی
سیاست بین الملل،
سال ۱۲، شماره ۱، شماره
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان
۱۴۰۲

^۱ PhD of political thought at Ferdowsi University of Mashhad .

^۲ Associate Professor of Political Sciences, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.athari@um.ac.ir ORCID: 0000-0001-7332-4848

^۳ Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.

^۴ Associate Professor of Political Sciences, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

هرات، نام بلندی در تاریخ فرهنگ، هنر، ادب، عرفان و سیاست شرق اسلامی است. این شهر یکی از قطب‌های ایران شرقی و پایتخت خراسان بزرگ به‌شمار می‌رفته است. اوستا، هرات را یکی از شانزده کشور ایران بزرگ خوانده است و برخی از تاریخ‌نگاران، آن را نخستین شهری می‌دانند که با نام «آریا» در شرق ایران ایجاد شده است. این شهر با القابی چون «هرات باستان»، «چشم‌وچراغ جمیع بلدان»، «جان جهان و دل خراسان» (Ansari, 2019, 17)، «خاک اولیا» (Sikorski, 1991)، «شهر قدرت و ثروت» (Azimi, 2012, 260)، «فلورانس شرق» (Sabetni, 2015, 23)، و «نگین خراسان»، از جایگاه ویژه‌ای در خراسان قدیم و افغانستان امروزی برخوردار بوده و هست. حضور اندیشمندانی چون نورالدین عبدالرحمان جامی، حسین واعظ کاشفی، فخر رازی، امیر علی شیر نوایی، و ده‌ها اندیشمند دیگر در فرهنگ و سیاست هرات، مناسبات سیاسی ویژه‌ای را در این خطه ایجاد کرده است که مجموعه آن را می‌توان، «مکتب سیاسی هرات» نامید. مکتب سیاسی هرات، دامنه گسترده‌ای از حوزه عرفان سیاسی است که در خراسان بزرگ و مناطق اطراف آن، گسترش پیدا کرده بود. اندیشه سیاسی‌ای که مکتب هرات را تشکیل داده است، از نظریه‌های سه دانشمند مشهور دوران تیموریان سرچشمه گرفته است. نخست، جامی، شاعر، عارف، و سیاست‌ورز مشهور هرات که پادشاهان زیادی از مشورت‌های او بهره جسته‌اند و مجموعه دیدگاه‌هایش به شکل دهی بنیان‌های سیاست و حکومت در هرات کمک فراوانی کرده است؛ دوم، امیر علی شیر نوایی، وزیر دانشمند دوره تیموریان که او را «بنیان‌گذار گفت‌وگوهای فرهنگی» (Mohammadi, 2019, 76) در جهان خوانده‌اند و توانسته بود در اوج قبیله‌گرایی، با سیاست گفت‌وگوهای فرهنگی برای شاهان تیموری، در خراسان بزرگ، دولتی مقتدر، باثبات، و فرهنگ‌محور را سامان‌دهی کند؛ شخصیت سوم، ملاحسین واعظ کاشفی، عارف و نویسنده‌ای است که با نوشته‌های فراوانی، از جمله «انوار سهیلی» و «اخلاق محسنی»، نقش چشمگیری در ایجاد فکر سیاسی زمان خویش داشته است.

صلح، یکی از مفاهیم کلیدی مکتب سیاسی هرات است. تأثیرپذیری این مکتب از عرفان اسلامی نقشبندیه، سبب شده است که صلح، به وضعیت اصلی دوره تیموریان تبدیل شود. شرایط دو دوره شاهرخ و سلطان حسین بایقرا، حکایت از فضای صلح‌آمیز دوران تیموریان دارد. بر همین اساس است که دوران تیموریان را عصر صلح و تجارت (Fredrick Starr, 2018, 427) نامیده‌اند. هر چند نمی‌توان از آشوب‌های



این دوره چشم پوشید، اما به صورت عمومی در این دوره، سیاست، متأثر از صلح‌طلبی عرفان نقشبندیه بوده که تسامح و تساهل را تبلیغ می‌کرد.

مقاله حاضر با به کارگیری روش‌شناسی هرمنوتیک اسکینر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «صلح، در اندیشه مکتب سیاسی هرات چه جایگاهی داشته است؟» با توجه به اینکه دهه‌ها جنگ در افغانستان کنونی (مرکز جغرافیای تاریخی مکتب سیاسی هرات) و منطقه، توسط افراط‌گرایان ستیزه‌جو با مفاهیم دینی توجیه می‌شود، نگاه صلح‌جویانه مکتب دینی - عرفانی هرات می‌تواند مشروعیت جنگ در افغانستان و منطقه را زیر سؤال برده و نگاه معتدل دینی را برجسته کند. از آنجا که تاکنون پژوهش مستقلی درباره صلح در اندیشه عرفان سیاسی نقشبندیه و مکتب سیاسی هرات، انجام نشده است، این مقاله می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه باشد.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

برای تبیین بهتر موضوع پژوهش، چارچوب مفهومی پژوهش براساس مفاهیم اساسی مکتب سازه‌انگاری (فرهنگ و هویت) در نظر گرفته شده است.

الکساندر ونت درباره تکوین قدرت و منافع، از انگاره سخن گفت (Wendt, 2013, 136) و بر این اندیشه پای فشرده که تنها قدرت و منافع را سازه‌هایی شکل می‌دهند که منشأ اجتماعی دارند و بر این اساس، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل را بنیان گذارد. در نظریه اجتماعی او، دو مفهوم فرهنگ و هویت، جایگاه ویژه‌ای دارند. او فرهنگ را شناخت مشترک و جمعی معرفی می‌کند (Wendt, 2013, 229) و متغیرهایی چون وابستگی متقابل، سرنوشت مشترک، همگنی و خویش‌داری را در شکل‌گیری هویت جمعی و دگرگونی ساختاری مهم می‌داند (Wendt, 2013, 491). در سیاست کشورها، سازه‌ها نقش مهمی دارند. سازه‌های هویت ملی هر کشوری، برگرفته از فرهنگ عمومی آن کشور و بیانگر هویت ملی آن است و این سازه‌ها در فضای بزرگ‌تری چون روابط منطقه‌ای و جهانی می‌توانند سازه‌های مشترکی را تشکیل دهند و در همبستگی منطقه‌ای و جهانی کشورها مؤثر باشد. فرض اصلی رهیافت سازه‌انگاری این است که بازیگران، جهان خود را می‌سازند (Kubalkova, 2013, 57). نمونه آشکار این سازه را می‌توان ارزش‌های اسلامی دانست که بین کشورهای اسلامی پیوندی عاطفی و ارزشی ایجاد می‌کند.

در رهیافت سازه‌انگاری، سه مفهوم منافع، قدرت، و عقلانیت در دستگاه معنایی‌ای که سازه‌های فرهنگی-اجتماعی یک کشور را به هنجارهای هویتی تبدیل می‌کند، نقش آفرینی می‌کنند. این دیدگاه تأکید می‌کند که منافع از طریق رویه‌های گفتمانی بازیگران، تولید، بازتولید، و متحول می‌شوند. این ادعا

از این مفروض سازه‌انگاری سرچشمه می‌گیرد که مردم، براساس معنایی که اهداف برای آن‌ها دارد، رفتار می‌کنند (Khosrawi, & Mir Mohammadi, 2014, 208). الکساندر ونت، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان مکتب سازه‌انگاری، بر این نظر است که بین ساختار و کارگزار، رابطه‌ی دوسویه وجود دارد؛ به این معنا که ساختارهای اجتماعی، دارای بعد گفتمانی ذاتی هستند و نمی‌توان آن‌ها را از برداشت‌های کنشگران جدا کرد. به بیان روشن‌تر، وجود و عملکرد ساختارهای اجتماعی، وابسته به برداشت‌های شخصی کنشگران است (Griffiths, 2014, 236). به نظر سازه‌انگاران، سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی، هویت‌های دولتی، و... همراه با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها و الگوهای برآیندها شکل می‌دهند، مهم هستند. این موارد، نوعی «جهان‌بینی» ایجاد می‌کنند و بر الگوهای تعامل بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Moshirzade, 2016, 333).

موضوع دیگر، عقلانیت سیاسی در رویکرد سازه‌انگاری است. از آنجا که براساس دیدگاه آلیسون و هالپرین (Khosrawi & Mir Mohammadi, 2014, 213)، سیاست دیوان‌سالارانه‌ی امروزی، رویدادمحور است و بازی‌های سیاسی در پی هر رویداد در فضای عمومی سیاسی امکان‌ظهور دارند، هر رویداد به یک انتخاب عاقلانه نیازمند است. این انتخاب عاقلانه است که بین منافع و قدرت در عرصه‌ی بین‌المللی تناسب ایجاد می‌کند و به سیاست خارجی کشورها سمت‌وسو می‌دهد.

هاتن و تراین فلوکهارت، گزاره‌های اصلی سازه‌انگاری را این گونه شرح می‌دهند:

- تمایز میان جهان طبیعی و جهان اجتماعی؛
- اهمیت انگاره‌ها به دلیل اینکه خواست‌ها و منافع را قوام می‌بخشند؛
- باور به ساخت اجتماعی واقعیت و اهمیت واقعیت‌های اجتماعی؛
- تمرکز بر ساختارهای معنایی در کنار ساختارهای مادی و اهمیت هنجارها و قواعد؛
- تمرکز بر نقش هویت در شکل‌دهی به کنش سیاسی و اهمیت منطق کنش؛
- باور به قوام متقابل کارگزاران و ساختار و تمرکز بر رویه‌ها و کنش (Moshirzade, 2017, 60).

به‌طور کلی می‌توان گفت، در رویکرد سازه‌انگاری، دست‌اندرکاران سیاست، براساس فرهنگ عمومی و سنت‌های اجتماعی پسندیده، هنجارهایی را می‌آفرینند که می‌توان هویت ملی را براساس آن تعریف کرد. هرچند در مکتب سیاسی هرات نمی‌توان از هویت ملی به شکل امروزی سخن گفت، اما مشاوران فرهنگی دربار با استفاده از مفاهیم عرفانی، هنجارهایی را آفریده‌اند که مجموعه‌ی آن‌ها توانسته است مکتب سیاسی هرات را تشکیل دهد. یکی از این انگاره‌ها، صلح است که با انگاره‌های دیگری چون انصاف، عدل،

تساهل و تسامح، و مصلحت پیوند خورده است.

۲. روش پژوهش

کوئنتین اسکینر، یکی از فیلسوفان حال حاضر جهان است. روش شناسی او یکی از جدیدترین روش‌های پژوهش به‌شمار می‌آید. روش هرمنوتیک اسکینر برای فهم اندیشه سیاسی به کار رفته است و آن را به زمینه‌گرایی پیوند می‌زند. او این روش را برای فهم اندیشه‌های سیاسی ماکیاولی و هابز به کار برده است. اسکینر از قصد مؤلف در متن و زمینه اجتماعی سخن می‌گوید که با مفاهیمی که در متن تولید می‌شود، توضیح داده می‌شوند. در هرمنوتیک اسکینر، هر مفهومی می‌تواند در زمینه تاریخی و سیاسی خویش معنایی را تولید و به فهم کنش سیاسی کمک کند. به نظر اسکینر، دو بعد تفکیک‌پذیر زبان را یادآور می‌شود: یکی از بعدها، بعد معنا توصیف شده که در پی بررسی واژه‌ها و جمله‌ها است و دیگری، کنش زبانی توصیف شده است. این بعد، عبارت از مطالعه اموری است که سخن‌گویان می‌توانند با استفاده از جمله‌ها و واژه‌ها انجام دهند. از دید اسکینر، هرمنوتیک سنتی، بر بعد نخست تأکید داشته است؛ اما او بر اهمیت هر دو بعد تأکید دارد (Skinner, 2014, 23).

اسکینر توصیه می‌کند که متن‌های کلاسیک را به گونه‌ای بخوانیم که گویی آن را یکی از معاصران ما نوشته است. برای درک بهتر متن، نخست باید مفهوم‌های بنیادین و پرسش‌های ابدی مربوط به اخلاق، سیاست، دین، و زندگی اجتماعی را در نظر داشته باشیم و سپس، آن‌ها را براساس زمینه اجتماعی‌شان مطالعه کنیم. اسکینر در تبیین نظریه تاریخی خویش، از مفاهیم بنیادین زیادی یاد می‌کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، «ویرتو» است. او در کتاب‌های «ماکیاولی»، «فلسفه سیاسی اوایل عصر مدرن»، و جلد دوم «بینش‌های سیاسی»، درباره این واژه، بسیار سخن گفته است. از دید اسکینر، ویرتو، در زمینه مسیحی و بستر رومی، دارای دو معنای متفاوت است. در زمینه تاریخی رومی، ویرتوس به افراد شجاع رومی گفته می‌شد و در بستر تاریخی مسیحیت، ویرتوس به معنای انسان مسیحی معتقد سنتی به کار رفته است (Skinner, 1981, 33).

اسکینر با توجه و دقت فراوان در معنای «ویرتو» در بسترهای زمانی گوناگون، نتایج متفاوتی می‌گیرد. به‌طور کلی، «ویرتو» گاهی بیانگر حکومت‌هایی است که با دلاوری و مردانگی توسط کسانی چون موسی،

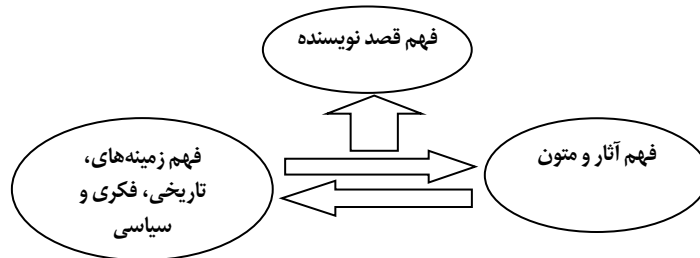


۱Virtu

۲Virtuosi

کوروش، رومولوس^۱ و تسئوس^۲ پایه‌گذاری شده‌اند (Skinner, 1993, 46). مفهوم بنیادین دیگری که اسکینر به آن توجه دارد، آزادی است. او در کتاب «هابز و آزادی جمهوری خواهانه»، مفهوم آزادی از دیدگاه هابز را در بستر زیست اجتماعی او بررسی کرده است (Skinner, 2018). به‌طور کلی می‌توان گفت، هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر بر فهم سه موضوع بنیادین استوار است؛ به‌این معنا که قصد نویسنده را می‌توان با دو بحث مهم فهم آثار و متون و فهم زمینه‌های تاریخی، فکری، و سیاسی بازنمایی کرد.

شکل شماره (۱). روش‌شناسی پژوهش



برخی هرمنوتیک اسکینر را در فهم اندیشه اندیشمندان مسلمان، یاری‌دهنده می‌دانند؛ زیرا بر این نظرند که متون دینی نیز در شرایط و زمینه‌های خاصی ارائه شده‌اند و مانند متون دیگر، رقاباتی داشته‌اند و به‌تصرف در هنجارهای ایدئولوژیک اقدام کرده‌اند (Alikhani, & et al, 2007, 479)؛ بنابراین، هرمنوتیک قصد‌گرای اسکینر می‌تواند در فهم اندیشه افرادی چون جامی، نوایی، و واعظ کاشفی و اندیشمندان دیگری که در تکوین این مکتب نقش داشته‌اند، مفید باشد.

۳. عرفان نقشبندیه؛ زمینه اندیشه صلح‌جویانه مکتب سیاسی هرات

فرقه عرفانی نقشبندیه، مانند تمام فرقه‌های عرفان اسلامی، به صلح‌جویی، مدارا، و زیست مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب معتقد است. این فرقه را می‌توان نخستین فرقه عرفان سیاسی دانست که نقش آشکاری در جهت‌دهی سیاست داشته است. مولانا جامی در کنار کاشغری و خواجه عبیدالله احرار، یکی از مشهورترین چهره‌های طریقت سیاسی نقشبندیه به‌شمار می‌آید. سران نقشبندیه ماوراءالنهر، حضور جامی را در این طریقت، مغتنم می‌شمردند و آینده طریقت نقشبندیه را با حضور او روشن می‌دیدند. جامی با آثار فراوانی

^۱Romulus

^۲Theseus



که دربارهٔ طریقت نقشبندیه نوشته است، به مفسر این طریقت شهرت یافته است و حتی شاخهٔ جامیه را در نقشبندیه به او منتسب می‌دانند (Algar, 2019, 125).

این موضوع که چه عواملی سبب پیوستن او به این طریقت شده است، به‌درستی روشن نیست، اما او خود، دعای *خواججه محمد پارسا* و شاخهٔ نباتی که این پیر عرفان نقشبندیه به او اهدا کرده را دلیلی بر ایجاد علاقهٔ خود به این طریقت عرفانی عنوان کرده است. با شناختی که از جامی و روحیهٔ آزاده‌اش وجود دارد و همچنین، درایت سیاسی‌ای که در کردار و عملکرد او نمود و بروز یافته است، به‌نظر می‌رسد که انتخاب طریقت نقشبندیه با نوستالژی دوران کودکی او امکان‌پذیر نبوده است. جامی، طریقت‌های روزگار خویش را به‌خوبی می‌شناخت و با سفر به ماوراءالنهر، با اصول طریقت نقشبندیه بیشتر آشنا شد. احتمالاً او حضور آیندهٔ سیاسی خود و یاران خویش را در مناسبات قدرت دوران تیموری - که بر سلطنت ترکی استوار یافته بود - در عرفان سیاسی نقشبندیه یافت. طریقت نقشبندیه، تنها فرقهٔ عرفانی‌ای بود که حضور در سیاست را برای احقاق حقوق مردم و کمک به فقرا و ستمدیدگان توجیه می‌کرد. *خواججه عیدالله احرار*، آشکارا گرایش‌های سیاسی داشت و برای خود، رسالتی سیاسی تعریف می‌کرد تا با نزدیکی به پادشاهان، مسلمانان را از ظلم و ستم حکام محافظت کند (Kashifi, 1977, 531). چنین طریقتی به جامی امکان می‌داد که با وجهه‌ای محترم، وارد مناسبات قدرت شود و برنامه‌های بعدی خود را عملیاتی کند. او به‌خوبی می‌دانست که مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، جز با توسل به نمایندگان دینی امکان‌پذیر نیست و از آنجاکه عرفان سیاسی در آن روزگار، فرصت چنین مشروعیت‌بخشی‌ای را یافته بود، اوضاع را برای ورود به عرصهٔ سیاست مناسب دید. عرفان سیاسی نقشبندیه، نقش دوگانه‌ای به جامی داد که در پیشبرد آرزوهای او مفید بود. او از یک‌سو، به‌عنوان شخصیتی عارف و روحانی، مرجع حضور و ارادت توده‌های مردم بود و از سوی دیگر، به‌عنوان مرجع مشروعیت‌بخش نظام سیاسی، رابطهٔ مردم و نظام سیاسی را مدیریت می‌کرد. اگر برخی او را یکی از اضلاع مثلث قدرت تیموریان می‌دانند، به‌خوبی از جایگاه جامی و نقش او در تصمیم‌گیری‌های سیاسی آگاه بوده‌اند. افراد شبکهٔ فرهنگی-سیاسی جامی، متأثر از آموزه‌های فرقهٔ نقشبندیه بودند؛ به‌گونه‌ای که مثلث جامی، واعظ کاشفی، و امیر علی شیر نوایی از بزرگان فرهنگ و سیاست اواخر دورهٔ تیموریان به‌شمار می‌آیند.

۴. مفاهیم اساسی مکتب سیاسی هرات

مکتب سیاسی هرات، مفاهیم مهمی را به‌عنوان مبانی آموزه‌های خود معرفی کرده است. صلح، مصلحت، عدل، انسان‌گرایی، تساهل، و حکمت و خرد، از جمله سازه‌هایی هستند که در سیاست داخلی و خارجی

دوره تیموریان، هنجارمند شده و به‌عنوان مفاهیم بنیادین در نظریه و عمل مکتب هرات مطرح شده‌اند.

۴-۱. صلح

صلح، مفهوم اصلی به‌کاررفته در این پژوهش است که با مفاهیمی چون عدل، حکمت و خرد، و تساهل به‌عنوان منظومه‌ای از اندیشه صلح‌جویانه مکتب سیاسی هرات به‌شمار می‌آیند. باین‌حال، جامی به‌عنوان پیر و مرشد مکتب سیاسی هرات، توجه ویژه‌ای به صلح داشته است. وی همچون تمام عارفان مسلمان، از جنگ و خونریزی بیزار بود و قلم و عملش را در خدمت صلح و آشتی گذاشته بود. او در درس‌های عارفانه و در نصایح سیاسی خویش، صلح را سفارش می‌کرد:

شد از صلح ایشان در این کهنه دیر
بسی خیر ظاهر شد که الصلح خیر
ازان صلح کان‌ها پر از گوهر است
زمین بر درختان بارآور است

(Jami, 2019, 913)

نامه معروفی از او به امیرعلی شیر نوایی به‌جای مانده که صلح را مصلحت جمیع مسلمانان خوانده است:

بعد از عرض نیازمندی، معروض آنکه مکتوب شریف مبنی بر صحت و سلامت عاقبت رسید و انواع بهجت سرور رسانید و قضیه صلح که نوشته شده بود، امید است که عن‌قرب به‌وقوع پیوندد که مصلحت جمیع مسلمانان از هر دو جانب در آن است و فقیران این جایی را تمام همت و نهمت متوجه آن است که زودتر واقع شود. شک نیست که خاطر شریف ایشان نیز بر آن خواهد بود و حسب‌المقدور در آن باب اهتمام خواهند نمود. مقاصد بر وجه اکمل محصل باد. والسلام والاكرام (Urunbaev, 1985, 53).

واعظ کاشفی به‌عنوان شاگرد مکتب جامی، در نوشته‌های خود درصدد تبیین جامعه‌ای است که در آن، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با اندرنامه‌های سیاسی-عرفانی تحقق پیدا کند. او به تقلید از مرشد خود، جامی، تمام همت خویش را به کار می‌بندد که جامعه‌ای سرشار از عدالت و انصاف ایجاد کند و با تولید دانش عرفانی، درصدد ایجاد جامعه‌ای است که فتوت عارفان، سرلوحه آن است و آگاهانه، یکی از کتاب‌هایش را «فتوت‌نامه سلطانی» (Waez Kashifi, 1971) نام می‌گذارد. واعظ کاشفی در کتاب «اخلاق محسنی» که چهل باب در اخلاق حسنه است، درواقع، صفات جامعه‌ای صلح‌آمیز را بیان می‌کند که در آن، سخاوت و احسان، عفو، صدق، وفای‌به‌عهد، مشاورت و تدبیر، نیک‌نامی، رعایت حقوق، و عدل مؤلفه‌های اصلی چنین جامعه‌ای هستند. در منظومه فکری کاشفی، صلح به‌اندازه‌ای ارزشمند است که پادشاهی را گریان به حضور درویشی می‌فرستد تا با او از در صلح درآید:

من امروز کردم در صلح باز
تو فردا مکن در برویم فراز

من آن کس نیم کز غرور حشم

ز بیچارگان روی در هم کشم

تو هم با من از سر بنه خوی زشت

که تا سازگاری رود در بهشت

(Waez Kashifi, 2018, 287)

امیر علی شیر نوایی، شخصیت دوبعدی اندیشه‌ورز و سیاستمدار مکتب هرات، از دو بعد در ایجاد فضای جامعه متساهل تیموریان نقش داشت؛ نخست، با تولید اندیشه‌ای الهام گرفته از اندیشه جامی و کاشفی، مفاهیم صلح آمیز را وارد سامانه سیاسی آن دوران می‌کرد و از سوی دیگر، به‌عنوان وزیر دربار، سعی داشت این مفاهیم در زندگی واقعی سیاسی نمود پیدا کند. او در نوشته‌هایش به‌سان جامی و کاشفی، از مدینه فاضله عرفان سیاسی سخن می‌گوید؛ آرمان شهری که در آن تسامح، تساهل، و رأفت، سرلوحه سیاست است. تفکر نوایی، اندیشه صلح و ضدجنگ و سیاستش، سیاست تلفیق قدرت، دانش، و هنر بود (Sayyedi & Qasemifard, 2014, 1119). او تاجایی که توان داشت، از بروز جنگ خودداری می‌کرد. تاریخ، دست کم دو مورد از تلاش‌های او را بیان می‌کند که مانع شورش و جنگ‌افروزی شده است؛ یکی از موارد، نصیحت او به صلح و آشتی به بدیع‌الزمان، شاهزاده تیموری است که مانع شورش او می‌شود (Sayyedi & Qasemifard, 2014, 1128)، و دیگری، مصلحت‌سنجی و دوراندیشی او در آشوب مسجد جامع هرات بین شیعیان و اهل سنت هرات است که مانع یک درگیری بزرگ مذهبی می‌گردد (Nemati, 2014, 84).



۴۲۲

۴-۲. مصلحت

مصلحت در منظومه اندیشه مکتب سیاسی هرات، یکی از مفاهیم کلیدی است که در خدمت صلح قرار دارد. این واژه بارها در آثار جامی تکرار شده است و در منظومه تفکر وی با وضعیت خاص او رنگ عوض می‌کند. دوگانگی کاربرد مصلحت در آثار عرفانی و اجتماعی سیاسی جامی قابل تشخیص است. جامی عارف، مصلحت را بر نمی‌تابد و دل‌داده‌ای است که عشق او با مصلحت سرسازش ندارد و مصلحت عارفانه، هیچ مصلحتی را نمی‌آموزد:

بازم رهان ز خویش که در کارگاه عشق کاری نکرد مصلحت عقل ذوالفنون

(Jami, 2015, 250)

هرچه شد در دل گره از مصلحت‌بینی عقل از درون با نعره مستانه بیرون کردنی است

(Jami, 2015, 562)

اما مصلحت در جامی مصلح اجتماعی، معنی دیگری می‌یابد. جامی مصلح اجتماعی، مصلحت را نه تنها جایز می‌شمارد، که بسیاری از رفتارهای سیاسی را با ترازوی مصلحت عمومی می‌سنجد. مصلحت و واژه‌های مرتبط با آن، از جمله مصالح و صلاح، تنها در نامه‌های جامی، بیش از پنجاه بار تکرار شده است

که بیانگر اهمیت این مفهوم در دستگاه مفهومی تفکر اوست. مصلحت از دیدگاه جامی، دو بعد اساسی دارد. ظاهر نامه‌های دست‌نویس جامی نشان می‌دهد که مصلحت از دیدگاه او، مصلحت دنیوی و اخروی بوده و در هر وضعیتی، به نفع مردم است. در ۳۳۷ نامه به‌جامانده از جامی، حتی یک نامه هم درخواست شخصی را مطرح نکرده است.

بعد از عرض نیاز، معروض آنکه دارندگان اتفاق‌نامه از رعایای قریه کوسویه به‌دست دارند که خدمت خواجه عبدالرحمن که پدران وی دران قریه همیشه کلانتر می‌بوده‌اند و به کفایت مهمات رعایا قیام می‌نمودند، منصب پدران وی به وی تعلق گیرد و به کفایت مهمات ایشان قیام نماید تا رعایا به فراغ‌بال به زراعت مشغول شوند. التماس آنکه چون مصلحت رعایا دران می‌نماید، عنایت نموده، در آن‌باب اهتمام فرمایند. الفقیر عبدالرحمن الجامی (Urunbaev, 1985, 95).

جامی، بارها از مصالح دینی و دنیوی سخن می‌گوید و در پایان بسیاری از نامه‌هایش با دعای کوتاهی، برای کارگزاران دولتی، توفیق مصالح دینی و دنیوی (عرفی) آرزو می‌کند. او شیخ‌الاسلام دوران خود را در نامه‌ای با جمع صفات مصالح شرعی و عرفی می‌ستاید:

خدمت شیخ‌الاسلامی در تمشیت امور شرعی و مصالح عرفی، حسب‌المقدر مساعی جمیله مبذول می‌دارد، اگر در آن‌باب استحسان واقع شود، ممکن که سبب مزید آن گردد (Urunbaev, 1985, 49).

بسیاری از نامه‌های جامی به سلطان حسین بایقرا یا امیر علی شیرنوایی نوشته شده و از آنان خواستار انجام کاری شده است که تنها مصلحت آن را بیان کرده و اصل درخواست در لفافه کلام جامی ناپدید است، بنابراین، به‌درستی نمی‌توان قضاوت کرد که مصلحتی را که او بیان کرده است، الزاماً مصلحت اخلاقی بوده است. جامی در بسیاری از نامه‌هایش، اصل درخواست را به‌نام مصلحت نوشته و قاعدتاً قاصد، موضوع اصلی را بعداً توضیح داده و هیچ‌سندی وجود ندارد که مصلحت‌های بیان‌شده را توضیح دهد:

بعد از عرض نیاز معروض آنکه دارنده رقعۀ اخلاص درویش افراسیاب به‌جهت مهمی متوجه اردوی همایون شده، به دست‌بوس شریف مشرف خواهد شد. التماس آنکه عنایت نموده التفات خاطر از حال او دریغ ندارند و در مصلحتی که به‌عرض رساند، اهتمام فرمایند. توفیق، رفیق باد والسلام، الفقیر عبدالرحمن الجامی (Urunbaev, 1985, 258).

ده‌ها نامه با عبارت مصلحتی که به‌عرض رساند، وجود دارد که اصل مصلحت را پنهان کرده است، اما به‌هر حال، این مصلحت‌ها، مصلحت‌های سیاسی‌ای هستند که در نامه‌های رسمی بیان‌کردنی نبوده است و به‌احتمال زیاد، نمی‌توان از اخلاقی بودن آن‌ها مطمئن بود.

امیر علی شیر نوایی نیز در نامه‌های خود، چنین رویه‌ای را درپیش گرفته است. او در نامه‌ای به برادرش چنین می‌نویسد: «... و در خدمت شاه از عرض سخنی صلاح و اصلاح حال سپاه و رعیت باشد، نترسد... تا مصلحت امر الهی نباشد، مصلحت کار پادشاهی نپذیرد» (Mohammadzade Seddiq & Mohammaddadi, 2019, 69-71).

۳-۴. عدل

عدل، محوری‌ترین مفهومی است که در آثار جامی، واعظ کاشفی، و نوایی به تکرار مشاهده می‌شود. جامی در «دیوان»، «بهارستان»، «هفت اورنگ»، و حتی در نامه‌های خود این مفهوم را بارها تکرار می‌کند. با توجه به دستگاه اعتقادی حاکم بر سیاست و اندیشه تیموریان که با نقشبندیه شناخته می‌شود، عدل، مفهومی اسلامی دارد، اما گاهی مصداق‌هایی که از عدل در دستگاه دیوانی ایران باستان می‌آورد، عدل در آن‌ها، متأثر از دو دیدگاه آموزه‌های ایرانی و اسلامی بوده است. عدل در اندیشه مکتب سیاسی هرات، کاملاً بار سیاسی دارد و در بسیاری از موارد، خطاب به شاهان به کار رفته است. انوشیروان، شخصیت محبوب اندیشمندان این دوران است. ستایش از دادگستری انوشیروان و در مجموع، عدل ایران باستان، تنها به عنوان نصیحتی عالمانه، مدنظر مکتب سیاسی هرات نیست، بلکه شبکه فرهنگی سیاسی جامی در آثار خود، پادشاه و کارگزاران حکومتی دیگر را به عدل فرامی‌خواند. یکی از شگردهای سیاسی مهم این مکتب، ایجاد پیوند بین عدل ایران باستان و عدل اسلامی است؛ تاجایی که از دین برای عدل باستان پشوانه می‌سازند.

نوشیروان با آنکه از دین بیگانه بود، در عدل و راستی یگانه بود. لاجرم سید کائنات (علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات) تفاخرکنان می‌گفت: ولدت انا فی زمن السلطان العادل!

پیمبر که در عهد نوشیروان
همی گفت از ظلم از آن ساده‌ام
به رخ گشت چشم و چراغ جهان
که در عهد نوشیروان زاده‌ام

(Jami, 2016, 45)

این حدیث در آثار نوایی، واعظ کاشفی، و حتی فرزند او فخرالدین علی نیز تکرار شده است. نوایی در کتاب «محبوب القلوب» با تأثیرپذیری از جامی، در مورد عدل، چنین نگاه داشته است:
عادل و عاقل، پادشاه عبادالله غه ظل الله خلافت ملکی آنینک فرمانیدا انی جاعل فی الارض خلیفه آنینک

۱. اشاره به حدیث نبوی است که فرمود: من در زمان پادشاه عادل (انوشیروان) به دنیا آمدم.



شانید. یو کیم که عادل پادشاه رفعتی تعریف دین بییک راک ایرور ولدت فی زمن السلطان عادل آندین خبر بیور. اول که آنینک ذاتی بیله مبهی دور خواجه کونین دیب دور کیم عدل ساعت خیر من عبادہ الثقلین عادل پادشاه حق تعالی دین خلایق قه رحمت دور و ممالک کا موجب امنیت و رأفت (Nawaye, 1986, 8-9).

پادشاه عادل و عاقل برای بندگان خدا، ظل الله است. ملک خلافت زیر فرمان اوست. انی جاعل فی الارض خلیفه ای، در شأن اوست. رفعت (بزرگی) پادشاه عادل از هرگونه تعریفی بالاتر است. ولدت فی زمن السلطان العادل، از آن خبر می دهد. آنکه با وجودش، خواجه کونین مبهات کرده و چنین فرموده است: عدل ساعه خیر من عبادہ الثقلین. پادشاه عادل از طرف حق تعالی برای مردم رحمت است و برای ممالک، موجب امنیت و رأفت.

واعظ کاشفی، باب پانزدهم کتاب «اخلاق محسنی» خود را به عدل اختصاص می دهد و ضمن ارائه شرح مبسوطی از حکایت های مرتبط با عدالت، در حکایتی از زبان مأمون، خلیفه عباسی، نقل قول می کند که در واقع، نوشیروان، مظهر عدل بوده و بر زبان معجز نشان حضرت رسالت (صلی الله علیه و سلم) گذشته که متولد شدم در زمان ملک عادل (Waez Kashifi, 2018, 67).

فخرالدین علی واعظ کاشفی، فرزند حسین واعظ کاشفی، نیز باب سیزدهم «انیس العارفین» را به عدل اختصاص داده و ضمن توضیحاتی درباره آن آورده است که «و از تأثیر عدل بشنو که بهترین موجودات و اشرف مخلوقات فرموده: «ولدت فی زمن الملک العادل»؛ یعنی: من آن پیغمبری ام که در زمان پادشاهی عادل متولد شدم که انوشیروان بود (Safi, 2009, 69-71).

۴-۴. انسان گرایی

جامی، انسان گرایی به تمام معنا بود. زندگی خویش را وقف خدمت به مردم کرده بود. مردم آنچنان جایگاه رفیعی در اندیشه او داشتند که مضامین بسیاری از اشعار و حکایت ها و نامه هایی که به شاه و امیر علی شیر نوایی نوشته است، بر محور خدمت به خلق می چرخد. این وجه اخلاقی جامی تاجایی نمود پیدا می کند که نویسندگانی او را انسان گرایی شبه سوسیالیست با مدینه فاضله خاص خودش - که یگانگی روحی و برادری همه ملل روی زمین را می خواهد - معرفی می کنند (Urunbaev, 1985, 13).

یکی از شاه بیت های جامی که او را هم قطار مولانا جلال الدین بلخی و سعدی در انسان گرایی قرار می دهد، مفهومی عمیق را دربر دارد. از دیدگاه او، زندگی تنها با انسان زیستن ارزش پیدا می کند:

آن چنان زی که زیستن شاید هر که انسان زید بیاساید

(Jami, 2019, 267)

حسین واعظ کاشفی، شاگرد مکتب جامی، در اندرزنامه‌های خود از انسان‌گرایی سخن گفته است. او اخلاق حسنه را باعث گسستن از خوی حیوانی و پیوستن به سرزمین انسانیت می‌داند: و حکما گفته‌اند که خوی نیک، راهی است روشن که جز به ابتهاج آن منتهج به سرمنزل شرف و سروری نتوان رسید و جز به سلوک آن طریق، رخت از هاویه حیوانیت به دارالملک انسانیت نتوان کشید.

هر که درو سیرت نیکو بود
آدمی از آدمیان او بود
یکی مردم نه نکورویی است
خوی نکو مایه نیکویی است

(Waez Kashifi, 2018, 2)

امیر علی شیر نوایی نیز انسانیت را با حکمت و فن معرفی می‌کند:

یوز که خود یله‌تر حیوان است
سیر از طعمه چو گردد به مراد
آهو ار شاخ زند بر حلقش
نتواند سوی او چشم گشاد
تو که انسانی و حکمت فن تو
کمتر از یوز شوی شرمت باد

(Nawaye, 1963, 209)

۴-۵. تساهل

اگر دوران تیموریان به دوران تساهل مذهبی و دینی معروف است، بی‌گمان، وام‌دار اندیشه‌ورزی جامی است. جامی در حالی که متهم به تعصب مذهبی است، با وجود قدرت فراوان در دربار تیموریان، هیچ‌گاه شمشیر «برهان قاطع» مذهبی را علیه هیچ اندیشه و فکری برنیفراشت. او با اینکه در بیان عقاید خود صریح و بی‌پرده بود، در تساهل عارفانه خویش نیز دلیر بود. در روزگاری که برخی از متعصبان مذهبی، خواستار مجازات فیلسوفان هرات بودند، جامی به حمایت از آنان همت گمارد و مانع آزار و اذیت آنان شد (Mayel Herawi, 1998, 105). او در کشاکش اختلافات مذهبی اواخر دوره تیموریان، تمام مسلمانان را «اهل قبله» خطاب می‌کرد و مردم را از تکفیر همدیگر برحذر می‌داشت:

هر که شد ز اهل قبله بر تو پدید
که به آورده نبی گروید
گرچه صد بدعت و خطا و خلل
بینی او را ز روی علم و عمل
مکن او را به سرزنش تکفیر
شمارش ز اهل نار و سعیر

(Jami, 2019, 179)

امیر علی شیر نوایی و حسین واعظ کاشفی با پیروی از جامی، تساهل را در زندگی شخصی و سیاسی خویش پیشه کرده بودند. امیر علی شیر نوایی در قضیه مسجد جامع هرات که نزدیک بود آشوبی را بین مسلمانان برانگیزد، با مشورت دادن به سلطان، او را به تساهل و مدارا دعوت کرد. تاریخ‌نگاران از دو تنش مذهبی در زمان سلطان حسین بایقرا سخن گفته‌اند که توسط سیدحسن کربلایی و سیدعلی واحدالعین در



۴۲۶

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال ۱۲، شماره ۱، شماره
پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان
۱۴۰۲

مسجد جامع هرات به پا شد. این دو شخصیت، در دو رویداد جداگانه، تصمیم داشتند که خطبه به نام ائمه اثنی عشر بخوانند که با واکنش اهل سنت روبه‌رو شدند. درحالی‌که وقوع درگیری میان این دو فرقه امکان‌پذیر بود، با مشورت دادن جامی به سلطان (Mayel Herawi, 1998, 121) و پادرمیانی امیر علی شیر نوایی (Hassani & Namati limayi, 2012, 58)، از درگیری مذهبی جلوگیری شد. در آثار به‌جای‌مانده از واعظ کاشفی نیز می‌توان مفاهیم فراوانی را یافت که تساهل را در جامعه گسترش می‌دهند.

۶-۴. حکمت و خرد

حکمت و خرد از واژه‌های پرکاربرد آثار جامی است. این دو مفهوم، زمانی در منظومه فکری جامی فریه می‌شود که او از عارفی شریعت‌مدار به مصلحی خردگرا تبدیل می‌شود و این زمانی است که پای مصالح عمومی خلق در میان است. او با اینکه حکمت و خرد را به همگان توصیه می‌کند، اما این دو را برای پادشاهان، ضرورتی سیاسی می‌داند. او خرد را لازمه زندگی عام و خاص معرفی می‌کند. خرد از دیدگاه جامی، به معنای بریدن از هوای نفسانی است.

کودکی از بنی‌هاشم با یکی از ارباب مکارم، بی‌ادبی کرد؛ شکایت به عمش بردند، خواست تا وی را تأدیب کند. گفت: ای عم (من کردم آنچه کردم) و عقل با من نبود، تو بکن آنچه می‌کنی و عقل با توست.

نه به وفق خرد کند کاری

گر سقیه‌ی به حکم نفس و هوا

جز به راه خرد مرو باری

بر تو نفس و هوا چو غالب نیست

«حکمت در وجود سلاطین، ظهور نصف و عدالت است، نه ظهور به صفت عظمت و جلالت» (Jami, 2016, 46).

واعظ کاشفی دلیل تألیف کتاب «انوار سهیلی» را حکمت نهفته در «کلیله و دمنه» می‌داند (Waez Kashifi, 1983, 12). او در حکایت‌های فراوانی به خرد و حکمت اشاره می‌کند. در حکایت «موش اسراف‌کار»، «سه ماهی»، و «راه فرار از مشکلات به وسیله تدبیر و دوراندیشی» و حکایت «مرغابی و تجربه‌هایی که بنای آن عقل است» (Waez Kashifi, 1983)، از خرد و تدبیر و فراست سخن می‌گوید. او در جای دیگری، زیب حکومت را به زیور فراست محقق می‌داند (Waez Kashifi, 2018, 251).

امیر علی شیر نوایی نیز به خرد و حکمت توجه ویژه‌ای داشته و در نامه‌هایش، بارها به عقل اشاره شده است. او در نامه‌ای به *خواجه افضل کرمانی*، از موهبت عقل سخن است (Mohammadzade Seddiq & Mohammaddadi, 2019, 51-69). نوایی در دیباچه «وقفیه مدرسه حضرت مقرب‌الحضرة»، بارها از علم و

تدبیر سخن به‌میان می‌آورد. او این دیباچه را با اوصاف خداوند علیم و حکیم آغاز می‌کند:
در مدرسه علمش امامان ملک سبحانک لا علم لنا گفته همه

(Mohammadzade Seddiq & Mohammaddadi, 2019, 86)

۵. مکتب سیاسی هرات؛ صلح داخلی و رابطه صلح آمیز خارجی

دوره تیموریان با توجه به جنگ‌های اندک، یکی از دوران‌های صلح آمیز منطقه است. فضای سیاسی-اجتماعی آن زمان از سه متغیر عرفان، ادبیات، و هنر تأثیر پذیرفته بود. این سه‌گانه به‌نوعی سیاست نرمی را دنبال می‌کرد که برآیند آن، تساهل، مدارا، و همزیستی صلح آمیز را در پی داشت. در عرصه داخلی امپراتوری تیموری، با وجود کشمکش‌های گاه‌وبیگاه بین شاهزادگان، عرفای بزرگی چون کاشغری، عبیدالله احرار، و مولانا جامی نقش برجسته‌ای در تأمین صلح داشتند. آن‌ها با وجود اختلافات عقیدتی فرقه‌های عرفانی (Rafiei, 2021, 241-250)، هیچ‌گاه شمشیر انتقام از همدیگر برنکشیدند و با حفظ فضای گفت‌وگو سبب شدند که از تنش داخلی، جلوگیری شود. افزون‌براین، تأثیرپذیری پادشاهان تیموری از عرفا و نیاز دربار به کسب مشروعیت از آن‌ها (Forbes Manz, 2011, 287) سبب شده بود که دربار به روایت صلح آمیز عرفان متعهد بماند.

در عرصه خارجی یا بین‌المللی، فضای صلح آمیز زمان تیموریان سبب شده بود که ایران آن زمان، به کاروانسرای تبدیل شود که تجار از هر طرف در آن به رفت‌وآمد مشغول بودند (Cambridge University, 2018, 194).

در عرصه بین‌المللی، تیموریان روابط نیکی با کشورهای اروپایی، امپراتوری عثمانی، مصر، و چین داشتند. جهانگردان اروپایی، از جمله کلاویخو و شلیت برگر (Mir Jafari, 2019, 188) با توضیح فضای امن و صلح آمیز زمان تیموریان، نقش برجسته‌ای در برقراری روابط اروپا با تیموریان داشتند.

شخصیت‌هایی چون جامی و نوایی، در ایجاد فضای صلح آمیز بین‌المللی و منطقه‌ای آن‌زمان، مهم پنداشته می‌شوند. سلطان محمد فاتح، امپراتور عثمانی، با نوشتن نامه به مولانا جامی و دعوت از او برای سفر به عثمانی و ارادت اوزون حسن به جامی (Mayel Herawi, 1998, 78-80)، با وجود اختلاف با دربار تیموری، اهمیت جایگاه معنوی جامی را در منطقه نشان می‌دهد. امیر علی شیر نوایی، که یکی از کارگزاران سیاسی مهم زمان تیموریان شمرده می‌شود، از شخصیت‌هایی است که توانسته بود با درایت خویش، مانع درگیری داخلی و ایجاد فضای صلح آمیز منطقه‌ای شود. نخستین مؤلفه نظریه سیاسی نوایی، گفت‌وگوست. امیر بر این نظر بود که می‌توان هر مشکلی را با گفت‌وگو حل کرد. او برای رسیدن به این هدف، از همه نخبگان هنری، فلسفی، و ادبی در هر جای دنیا برای زندگی و کار در هرات دعوت کرد، تا



مجالى برای گفت‌وگوهای فرهنگى بين نمايندگان مختلف كشورها و نزديكى آنها به همدیگر بيايد. به همين دليل است كه در كنگره بين‌المللى نوایى در سال ۲۰۰۹، او را بنیان‌گذار گفت‌وگوی بين‌المللى هنرى (6-5, 2019, Mohammadi) خوانده‌اند.

نتیجه‌گیری

صلح در اندیشه سیاسی مکتب هرات، درون آموزه‌های عرفانی و سیاسی آن‌زمان، به‌عنوان وضعیت اصلی برای پیشبرد امور و زمینه اصلی باروری اندیشه‌های عرفانی-سیاسی آن دوران مطرح است. واکاوی آثار مثلث اندیشه مکتب سیاسی هرات-جامی، کاشفی، و نوایی نشان از تلاش آن‌ها در تبیین اندیشه‌ای عرفانی از سیاست دارد که بر مدارا و تساهل استوار است. جامی، به‌عنوان مرشد عرفانی شبکه بزرگی از اندیشمندان دوره تیموری که درون و بیرون از حاکمیت فعالیت می‌کردند، به تولید مفاهیمی چون صلح، مصلحت، عدل، انسان‌گرایی، حکمت و خرد، و تساهل مبادرت ورزیده بود. برپایه نظریه سازه‌انگاری، این مفاهیم در سیاست داخلی و خارجی دوره تیموریان، به‌عنوان سازه‌های هویت‌ساز مکتب هرات، به هنجارهای اجتماعی-سیاسی تبدیل شده و به‌عنوان انگاره‌هایی قابل قبول، در سامانه سیاسی آن دوره در جامعه و دربار تشخص یافته بودند. این مفاهیم توسط حسین واعظ کاشفی در منبر نماز جمعه به عامه مردم ابلاغ، و توسط امیر علی شیر نوایی، وارد سامانه سیاسی عصر تیموریان می‌شد. شبکه اندیشمندان عارف آن دوران، با پیروی از دین و عرفان، درصدد ایجاد وضعیتی بودند که نیکوکاری و احسان در آن جاری باشد. چنین وضعیتی توانسته بود دوران تیموریان را به دوره شکوفایی صلح و رفاه در منطقه تبدیل کند. صلح به‌عنوان مفهومی کانونی در مناسبات داخلی و روابط خارجی زمان تیموریان مطرح بود و برآیند آن در عرصه عملی، سبب شکوفایی فرهنگی و بازسازی و رشد تجارت داخلی و منطقه‌ای شد.

References

- Algar, H. (2019). *Naqshbandeye*. Translated: Dawoow Wafayi. Tehran: Mola Publication. [in Persian].
- Alikhani, A, & et al. (2007). *Methodology in Islamic Political Studies*. Tehran: Emam Sadeq University Publications.
- Ansari, F. (2019). *History of Herat; A Journey Through the History and Historical Geography of Herat from Ancient Times to Modern Times*. Kabul: Andisheh Foundation Publications. [in Persian].
- Azimi, M.A. (2012). *Human Geography of Afghanistan*. Tehran: Elm-o-Danesh Publication. [in Persian].
- Cambridge University. (2018). *History of Iran During the Timurid Period*. Translated: Yaqob Azhand. Tehran (6th Ed): Jami Publication. [in Persian].
- Forbes Manz, B. (2011). *Power, Politics and Religion in Timurid Iran*. Translated: Javad

- Abbasi. Mashhad: Ferdowsi University publication. [in Persian].
- Fredrick Starr, S. (2018). *Lost Enlightenment; Central Asia's Golden Age from the Arab Conquest to Tamerlane*. Translated: Hassan Afshar. Tehran: Markaz publication. [in Persian].
- Griffiths, M. (2014). *Fifty Great Thinkers of International Relations*. Translated: Alireza Tayyeb. Tehran. (2nd Ed): Ney Publications. [in Persian].
- Hassani, A & Namati limayi, A. (2012). *Literary-Political Personality of Amir Alishir Navaei and the Effectiveness of His School Maker*. Journal of Moskawey, 8(25), 55-86. [in Persian].
- Jami, A. (2015). *Diwan-e- Jami*. Edited by Mohammad Roshan. Tehran (3th Ed): Negah Publications. [in Persian].
- Jami, A. (2016). *Baharestan*. Edited by Esmaael Hakemi. Tehran (8th Ed): Etelaat Publications. [in Persian].
- Jami, A. (2019). *Masnavi Haft Owrang*. Edited by Morteza Modarres Gilani. Tehran (3th Ed): Mahtab Publications. [in Persian].
- Kashifi, F, A. (1977). *Rashahat Ain-ol- Hayat 2*, Edited: Ali Asghar Moeineyan, Tehran: Nikokari Noryani Publications. [in Persian].
- Khosrawi, A & Mir Mohammadi, M. (2014). *An introduction to foreign policy analysis*, Tehran: Publications of the Research Institute of Strategic Studies. [in Persian].
- Kubalkova, v. (2013). *Foreign Policy in a Constructed World*, Translated: Mehdi Mir Mohammadi & Alireza Khosravi. Tehran: Publications of the Research Institute of Strategic Studies. [in Persian].
- Mayel Herawi, N. (1998). *Shaikh Abdur Rahman Jami*. Tehran: Tarh-e-no Publications. [in Persian].
- Mir Jafari, H. (2019). *The Political, Social, Economic and Cultural Developments of Iran During the Period of the Timurids and the Turkomans (2nd edition)*. Tehran (9th Ed): Samt publications. [in Persian].
- Mohammadi, R. (2019). *Basics of Amir Alishir Navaei's Political Thought*. Herat: Collection of Papers of Herat Security School. Afghanistan Institute of Strategic Studies, 75-78. [in Persian].
- Mohammadzade Seddiq, H & Mohammaddadi, M. (2019). *Persian Letters of Amir Alishir Nawaye*. Tehran (2nd Ed): Nameye Seddiq Publications. [in Persian].
- Moshirzade, H. (2016). *Evolution in Theories of International Relations*. Tehran (11th Ed): Samt Publications. [in Persian].
- Moshirzade, H. (2017). *Theoretical Foundations of Foreign Policy Explanation and Analysis*. Tehran: Samt Publications. [in Persian].
- Nawaye, A.A. (1963). *Diwan-e- Amir Nezam-o-ddin Alishir Nawaye*. Edited by Roknodin Homayoon Farrokh. Tehran: Avicenna Library Publications. [in Persian].
- Nawaye, A.A. (1986). *Mahbub-ol-Qolob*. Kabul Ministry of Ethnic and Tribal Affairs. Directorate of Publications and Cultural Affairs. [in Persian].
- Nemati limaye, A & Hasani, A. (2014). *The Role of Amir Alishir Nawai in the Applied Policies of Sultan Hossein Baiqara*. The Role of Insider Speech. Proceedings of Amir Alishir Navaei conference, 79-104.
- Rafiei, A.T. (2021). *History of Political and Social Developments of Timurids*. Tehran: Sorosh Publication. [in Persian].
- Sabtelni, M, A. (2015). *Amir Ali Shir Nawayee and his Era*. Translated: Javad Abbasi.



Mashhad: Tanin publication. [in Persian].

Safi, F. (2009). *Anis-ol_Arefin*. Edited by Abdulreza Saif. Tehran: Tehran University Publications. [in Persian].

Sayyedi, S.H, A. & Qasemifard, H. (2014). *The Concept of Power from the Point of View of Amir Alishir Nawaye and Michel Foucault*. The Role of Insider Speech; Proceedings of Amir Alishir Navaei Conference, 1111-1134.

Sikorski, R. (1991). *Dust of the Saints: A Journey to Herat in Time of War*. Translated by: Abdul Ali Noor Ahrari. Mashhad: Zawwar publication. [in Persian].

Skinner, Quentin (1981), *Machiavelli, A Very Short Introduction*. New York: Oxford University Press.

Skinner, Q. (1993). *Machiavelli*. Translated by: Ezatollah Foladwand. Tehran: Tarh-e-no publication. [in Persian].

Skinner, Q. (2014). *Visions of Politics VI, Regarding Method*. Translated by: Fariboorz Majidi, Tehran: Farhang-e- Jawid Publication. [in Persian].

Skinner, Q. (2018). *Hobbes and Republican Liberty*. Translated by: Hormoz Homayoonpoor. Tehran: Farhang-e- Jawid Publication. [in Persian].

Urunbaev, A. (1985). *Abdur-Rahman Jami's Autograph Letters from: The Murraqqa of Mir Ali Shir Nawaye*. Collaboration and Introduction by Mayel Herawi. Kabul: State Publications. [in Persian].

Waez Kashifi, K.H. (1971). *Fotowat Name Soltani*. Edited by: Mohammad Jafar Mahjoob, Tehran: Publications of Farhang Iran Foundation. [in Persian].

Waez Kashifi, K.H. (1983). *Anwar Sohaili*. Tehran (3th Ed): Amir Kabir Publications. [in Persian].

Waez Kashifi, K.H. (2018). *Akhlaq Mohseni*. Edited by: Mahboobe Tabasi, Tehran: Zawwar Publications. [in Persian].

Wendt, A. (2013). *Social Theory of International Politics*, Translated by: Homaira Moshirzade, Tehran (3th Ed): Ministry of Foreign Affairs Publications. [in Persian].